

طرحنامه کرسی ترویجی

۱.

عنوان فارسی: کاربست قاعده دفع منکر در موضوع حجاب در سیاست جنایی اسلامی
عنوان انگلیسی: Application of Wrongdoing Elimination Rule on the issue of hijab in Islamic criminal policy
عنوان عربی: تطبيق قاعدة دفع المنکر فی مسأله الحجاب فی السياسه الجنائيه الاسلاميه

۲. خلاصه طرحنامه: (حداقل ۱۰۰۰ و حداکثر ۲۵۰۰ کلمه):

الف. شرح موضوع: موضوع کرسی ترویجی بطور دقیق و علمی شرح داده شود. موضوع کرسی قاعده دفع منکر و کاربرد آن در حوزه منع بی حجابی چه در سطح جامعه و چه حاکمیتی است. در این خصوص ادله نقلی و غیرنقلی طرح و ارزیابی شده و مشخص شده دلالت قاعده چه به اعتبار جنبه سلبی قاعده که حکایت از حرمت اقدام مکلف به زمینه سازی ارتکاب منکر از سوی دیگران دارد و طبعاً بی حجابی زمینه ساز فساد سایر اعضای جامعه خواهد شد و چه از حیث بعد ایجابی که مقتضی وجوب اقدام مکلف به پیشگیری از ارتکاب منکر توسط سایرین است، هم برای خانواده ها و هم حکومت حق در ممنوعیت بی حجابی استنتاج می شود.
ب. سوابق دانشی: تاریخچه موضوع و سوابق نظری و دانشی موجود در این زمینه چیست و جایگاه موضوع حاضر کجاست؟ تا جایی که حقیر اطلاع دارم در بحث خود قاعده دفع منکر نخستین تحقیق مقاله حقیر با عنوان کاربرد قاعده دفع منکر در قلمرو خانواده با کاوشی در دلالت آیه وقایه منتشر شده در دوفصلنامه علمی - پژوهشی قرآن، فقه و حقوق اسلامی، شماره (۷) در سال ۱۳۹۶ بوده است. در بحث کاربرد قاعده نیز در حوزه حجاب نیز با نگاه سیاست جنایی تاکنون کاری انجام نشده است.
ج. موارد نوآوری: ضمن بیان دانش موجود، نوآوری طرحنامه بطور واضح و روشن تعیین شود. قاعده وجوب دفع منکر دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. در بعد سلبی قاعده مستلزم حرمت اقدام مکلف به زمینه سازی ارتکاب منکر از سوی دیگران است که این جنبه با قاعده حرمت معاونت بر اثم قرابت دارد. با وجود این نظر بر اعتقاد برخی از اندیشمندان به اشتراط قیود تحدیدی ناظر بر قاعده حرمت معاونت بر اثم، نظیر ضرورت قصد اعانت در معاون یا انتاج معاونت به تحقق اثم در عالم خارج به واسطه رفتار وی، حوزه قاعده معاونت بر اثم اخص از قلمرو سلبی قاعده وجوب دفع منکر خواهد شد، زیرا نگرش قائلین به اعتبار قاعده وجوب دفع منکر، عاری از چنین شرایطی پیرامون قاعده است. بعد ایجابی قاعده وجوب دفع منکر مقتضی وجوب اقدام مکلف به پیشگیری از ارتکاب منکر توسط سایرین است که از این منظر شبهه ای هم پوشانی با قاعده امر به معروف و نهی از منکر متبادر به ذهن می شود. اما این شبهه نیز از جهاتی جای تأمل دارد زیرا از یک سو برخی بر خلاف قاعده وجوب دفع منکر، شمول قاعده امر به معروف و نهی از منکر را منصرف از دفع منکر دانسته اند؛ و از سوی دیگر قاعده وجوب دفع منکر بر خلاف قاعده امر به معروف و نهی از منکر، بر وجوب پیشگیری از ارتکاب منکر از سوی خود شخص نیز نظر دارد. این وجوه به شرح ذیل است.

نخست آنکه بگویند تعمیم شمول ادله نهی از منکر از موضوع رفع منکر به دفع آن اختلاف وجود دارد. دفع ناظر بر پیشگیری از ارتکاب منکری است که هنوز یا اصلاً اراده‌ای بر تحقق آن از سوی دیگران وجود ندارد یا نهایتاً صرفاً مقدمات آن فراهم شده و وارد مرحله‌ی

اجرایی نشده است (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۹۷/ سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۷۸). اما رفع منکر ناظر بر نهی از اقدام کسی است که مرتکب منکری شده و از استمرار آن جلوگیری می‌شود، مانند آن که از تداوم تصرفات متصرف عدوانی در ملک دیگری نهی شود؛ یا با قدری توسعه، نهی از ارتکاب منکر از سوی کسانی را نیز در بر می‌گیرد که با اراده‌ی فعلی مقدمات کار را فراهم نموده و یا در شرف انجام آن هستند.

هر چند بعضی ادله وجوب نهی از منکر را علاوه بر رفع شامل دفع منکر هم دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۰۶/ لاری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۱/ حسینی حائری، ۱۴۲۳، ص ۳۸۷) و عدم تحقق خارجی منکر را به عنوان مناط پذیرفته‌اند (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸). با وجود این به زعم برخی ادله نهی از منکر منصرف از دفع منکر است و صرفاً رفع منکر را در بر می‌گیرد (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۷/ شهیدی تبریزی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۵). به اعتقاد ایشان مقتضای مدلول لفظی ادله‌ی مزبور به نهی از اقدام کسانی اختصاص دارد که شروع به رفتار محرم نموده‌اند، و دلالت آنها بر وجوب بازداشتن کسی که بنای بر ارتکاب منکر در آینده دارد مستلزم احراز این مناط است که در عالم خارج منکری واقع نشود، که پذیرفتنی نیست (حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ج ۱۴، صص ۱۸۱-۱۸۰).

گفتنی است بر مبنای دیدگاه اخیر، خصوصاً از نظر آن دسته از اندیشمندانی که قاعده وجوب دفع منکر را هم معتبر نمی‌دانند، قلمرو سیاست جنایی اسلام بسیار مضیق خواهد شد. توضیح آنکه تأثیر گزینش هر کدام از رهیافت‌های مزبور در اتخاذ نوع مدل سیاست جنایی در این بستر تبلور می‌یابد که آیا تدابیر سیاست جنایی را باید متمرکز بر کسانی بدانیم که مرتکب جرم شده‌اند یا می‌توان گستره را به صورت پیش‌بینی رخداد بزهکاری در موقعیتی خاص یا احراز حالت خطرناک در افرادی که هنوز بالفعل به نقض هنجار دست نیازیده‌اند، نیز توسعه داد و به تعبیر دیگر شعاع عمل ما به پاسخ‌های پسینی باید محدود شود یا پاسخ‌های پیشینی را هم شامل است. به‌طور مشخص از منظر نظام اقدامات تأمینی، به عنوان تدابیری پیشگیرنده که نظر بر جلوگیری از وقوع جرم در آینده دارند، همین بحث به طور جدی به موضوعی اختلافی بین اندیشمندان و سیاست‌گذاران جنایی تبدیل شده است، به‌طوری که رویکردهای متفاوتی را در کشورهای مختلف در ضرورت یا عدم ضرورت ارتکاب جرم، به عنوان پیش‌شرط اعمال اقدامات تأمینی در مورد واجدین حالت خطرناک، به دنبال داشته است (علی‌آبادی، ۱۳۸۵، ص ۱۳۴).

وجه فارق دیگر قاعده وجوب دفع منکر از قاعده امر به معروف و نهی از منکر در این است که قاعده اخیر ناظر بر اقدام مکلف به نهی سایرین از منکرات است، در حالی که قاعده وجوب دفع منکر بر وجوب پیشگیری از ارتکاب منکر هم از سوی خود شخص و هم سایرین دلالت دارد، و لذا تخصیص گستره‌ی قاعده به حالت اخیر توجیهی ندارد.

در هر صورت، از منظر فقه اسلامی قاعده وجوب دفع منکر مستند بسیاری از فروع فقهی نظیر وجوب تصدی برخی مشاغل جهت ممانعت از منکرات شرعی (اصفهانی، ۱۴۲۲، ص ۳۳۰) یا حرمت بیع و اجاره اموال به کسانی که آن را برای ارتکاب حرام به کار می‌برند (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۴۹۷/ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۲۶)، قرار گرفته است. برخی از فقها حتی دفع منکر را به عنوان علت توجیه کننده‌ی ارتکاب برخی از محارم نظیر تصرف در اموال دیگری بدون اذن مالک دانسته‌اند (موسوی خمینی، بی‌تا، ص ۴۸۰). با وجود این در حدود و ثغور اعمال این قاعده در جایی که مشمول عنوان تعجیز فاعل (ناتوان سازی فردی که در صدد بزهکاری است) می‌شود، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی میان دو حالت قائل به تفصیل شده‌اند، ایشان معتقدند در جایی که تعجیز فاعل از طریق اتلاف و تصرف در اموال وی صورت می‌پذیرد، مصداق مجازات قبل از ارتکاب جرم بوده و لذا دلیلی بر وجوب آن وجود ندارد، ولی در صورتی که ناتوان سازی بزهکار به واسطه‌ی مهیا نمودن اسباب و جهاتی باشد که وی را بر ارتکاب بزه قادر می‌سازد، تعجیز وی در این صورت واجب و بی‌توجهی به آن که مصداق معاونت بر ارتکاب حرام است، حرام می‌باشد (لاری، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۷۱). عده‌ای دیگر نیز فتوای خود را دائر مدار منکری که در مقام پیشگیری از وقوع آن هستیم نموده‌اند، به نظر ایشان در مفسدتی که می‌دانیم شارع مقدس در هر حال راضی به وقوع آنها نیست مانند رواج قمار، شرب خمر علنی، قتل و کشتار، تخریب اموال و سایر انواع مفسدتی که نظام جامعه اسلامی را مختل می‌سازد، ممانعت از آنها واجب است، اما در جرایم غیر مهم نمی‌توان ممانعت از ارتکاب آنها را از طریق ناتوان سازی مرتکبین تلقی به وجوب نمود (تبریزی، ۱۴۱۶، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۰/ منتظری، ۱۴۱۳، ص ۳۷۳).

در هر حال بزرگوارانه ادله نشان می دهد در بحث حجاب هم خانواده ها مکلف مقابله با بی حجابی در بین اعضای خود هستند که اهم ادله آن آیه شریفه وقایه است که کلیه اعضای خانواده را به صیانت از خود و دیگر اعضا از گرفتاری به عذاب الهی در اثر ارتکاب جرم

و انحراف تکلیف نموده است. اگر چه حسب ظاهر روایات تکلیف مزبور در چارچوب امر و نهی زبانی تحقق می یابد، لکن نظر بر فراتر بودن این تکلیف نسبت به سایرین از یک سو، اطلاقات و عمومات نصوص ناظر بر مراتب امر به معروف و نهی از منکر از سوی دیگر، در کنار اخبار خاصی که مراتب شدیدتری مانند حبس و ایراد ضرب را در راستای دفع منکرات در خانواده تجویز نموده است باید از ظهور روایات وارده در تحدید تکلیف به مرتبه لسانی رفع ید نموده و آن را به کمترین مرتبه از مراتب حمل کنیم و از این طریق جریان قاعده وجوب دفع منکر را در قلمرو خانواده بپذیریم.

و هم نسبت به حاکمیت که در ثبوت حق اعمال تدابیر وقاییه و ایضا تعزیر از ناحیه آن در برابر گسترش مظاهر فساد مستند به قاعده این صلاحیت ثابت می باشد.

د. فرایند: فرایندی که در آن فرضیه/ایده/مدل/ نظریه حاصل شده است، بطور دقیق شرح داده شود. با توجه به فقد تحقیقات مستقل در موضوع حاضر، فرضیه حقیر بر آن بود که قاعده دفع منکر از ظرفیت بالایی در منع بی حجابی در خانواده و جامعه برخوردار است. در جهت صحت سنجی فرضیه با مراجعه به منابع تفسیری و روایی و با متد فقهی ادله بررسی و ضمن ارزیابی سند و دلالت آنها درستی فرضیه احراز شده است.

ه. منابع: فهرست منابعی که در متن ارجاع داده شده است، آورده شود. (منابع اصل مقاله که پیوست است)

۱. آصفی، محمد مهدی؛ «التعدد و الوحده فی الولایه و الإمره»؛ مجله فقه اهل البیت علیهم السلام؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش ۱۸، ۱۴۲۱ق، صص ۱۰۶-۶۹.
۲. آل سعدی، عبدالرحمن بن ناصر؛ تیسیر الکریم الرحمن؛ ج ۲، بیروت: مکتبه النهضه العربیه، ۱۴۰۸ق.
۳. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ ج ۱۴، ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۴. ابن جزی، محمد بن أحمد؛ التسهیل لعلوم التنزیل؛ ج ۲، ۱، بیروت: دار الأرقم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابوحنیف اندلسی، محمد بن یوسف؛ ألبحر المحیط فی التفسیر؛ ج ۱۰، ۱، بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ق.
۶. اردبیلی (مقدس)، مولی احمد؛ زبده البیان فی أحكام القرآن؛ ج ۱، تهران: المکتبه الجعفریه لإحياء الآثار الجعفریه، [بی تا].
۷. اصفهانی، سید ابوالحسن؛ وسیله النجاه؛ با تعلیق و شرح امام خمینی ره؛ ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی ره، ۱۴۲۲ق.
۸. اعرافی، علیرضا؛ تقریرات خارج فقه التریبه؛ مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۸۶.
۹. _____ و موسوی، سید نقی؛ «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»، فصلنامه کاوشی نو در فقه اسلامی؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ش ۲، تابستان ۱۳۹۲، صص ۷۰-۴۸.
۱۰. انصاری، شیخ مرتضی؛ کتاب المکاسب؛ ج ۱، ۱، قم: منشورات دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
۱۱. انصاری شیرازی، قدرت الله؛ موسوعه أحكام الأطفال و أدلتها؛ ج ۳، ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۹ق.
۱۲. ایروانی، میرزا علی بن عبدالحسین؛ حاشیه المکاسب؛ ج ۱، ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۱۳. بهجت، محمد تقی؛ استفتائات؛ ج ۴، ۱، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۸ق.
۱۴. بیضاوی، عبدالله؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ ج ۵، ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
۱۵. تبریزی، میرزا جواد؛ إرشاد الطالب إلی التعلیق علی المکاسب؛ ج ۱، ۳، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۶ق.
۱۶. _____؛ استفتائات جدید؛ ج ۱، ۱، قم: [بی تا]، [بی تا].
۱۷. _____؛ أسس القضاء و الشهاده؛ ج ۱، ۱، قم: نشر دفتر مؤلف، ۱۴۱۵ق.
۱۸. _____؛ صراط النجاه؛ ج ۶، ۱، قم: دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها، ۱۴۲۷ق.
۱۹. _____؛ المسائل المنتخبه؛ ج ۵، ۱، قم: دارالصدیقه الشهیده سلام الله علیها، ۱۴۲۷ق.



۲۰. جمعی از نویسندگان؛ علوم جنایی: مجموعه مقالات برای ارتقاء دست اندرکاران مبارزه با مواد مخدر؛ ج ۱، قم: انتشارات سلسبیل، ۱۳۸۴. *از کسب نظر برای تدوین اثر*

۲۱. حائری تهرانی، میر سیدعلی؛ مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر؛ ج ۱۱، چ ۱، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۲. حجازی، محمد محمود؛ التفسیر الواضح؛ ج ۳، چ ۱۰، بیروت: دار الجیل الجدید، ۱۴۱۳ق.
۲۳. حسینی حائری، سید کاظم؛ فقه العقود؛ ج ۱، چ ۲، قم: مجمع اندیشه اسلامی، ۱۴۲۳ق.
۲۴. حسینی روحانی، سید صادق؛ فقه الصادق علیه السلام؛ ج ۱۴، چ ۱، قم: دارالکتب مدرسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۲ق.
۲۵. _____؛ منهاج الفقاهه؛ ج ۱، چ ۵، قم: انوار الهدی، ۱۴۲۹ق.
۲۶. حسینی سیستانی، سیدعلی؛ المسائل المنتخبه: العبادات و المعاملات؛ ج ۹، قم: دفتر معظم له، ۱۴۲۲ق.
۲۷. حسینی همدانی، سید محمد؛ انوار درخشان در تفسیر قرآن؛ ج ۱۶، چ ۱، تهران: کتابفروشی لطفی، ۱۴۰۴ق.
۲۸. حقی بروسوی، اسماعیل؛ تفسیر روح البیان؛ ج ۱۰، چ ۱، بیروت: دار الفکر، [بی تا].
۲۹. حلی (علامه)، حسن بن یوسف؛ تحریر الأحکام الشرعیه علی مذهب الإمامیه؛ ج ۳، چ ۱، قم: مؤسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۳۰. حمیری، نشوان؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلام؛ ج ۱، چ ۱، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۲۰ق.
۳۱. دروزه، محمد عزت؛ التفسیر الحدیث؛ ج ۸، چ ۲، قاهره: دار إحياء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
۳۲. دلماس مارتی، می‌ری؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ج ۱، چ ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
۳۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ج ۱، بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ق.
۳۴. راوندی، قطب‌الدین أبوالحسین سعید؛ فقه القرآن؛ ج ۱، چ ۲، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ره، ۱۴۰۵ق.
۳۵. زحیلی، وهبه؛ التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج؛ ج ۲۸، چ ۲، بیروت: دار الفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۳۶. سبحانی، جعفر؛ توضیح المسائل؛ ج ۳، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۹ق.
۳۷. _____؛ نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء؛ ج ۱، چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
۳۸. سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام؛ ج ۱، چ ۴، قم: مؤسسه المنار، ۱۴۱۳ق.
۳۹. سند بحرانی، محمد؛ سند العروه الوثقی: کتاب النکاح؛ ج ۱، چ ۱، قم: مکتبه فک، ۱۴۲۹ق.
۴۰. سیفی مازندرانی، علی اکبر؛ دلیل تحریر الوسیله؛ ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۴۱۷ق.
۴۱. سیوطی، عبدالرحمان؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور؛ ج ۶، چ ۱، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی ره، ۱۴۰۴ق.
۴۲. شب زنده‌دار، محمد مهدی؛ تقریرات خارج امر به معروف و نهی از منکر؛ مدرسه فقهی امام محمد باقر علیه السلام، ۹۷-.
- ۱۳۹۴.
۴۳. شبیری زنجانی، سید موسی؛ کتاب نکاح؛ ج ۱، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ق.
۴۴. شهیدی تبریزی، میرزا فتاح؛ هدایه الطالب إلى أسرار مکاسب؛ ج ۱، چ ۱، تبریز: چاپخانه اطلاعات، ۱۳۷۵ق.
۴۵. صادقی تهرانی، محمد؛ البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ ج ۱، چ ۱، قم: نشر مؤلف، ۱۴۱۹ق.
۴۶. _____؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ ج ۲۸، چ ۲، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۴۷. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۹، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۸. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید؛ مرشد المغترب: توجیهات و فتاوی؛ ج ۱، نجف: دفتر مؤلف، ۱۴۲۲ق.
۴۹. طباطبایی قمی، سید تقی؛ عمدہ الطالب فی التعليق علی مکاسب؛ ج ۱، چ ۱، قم: انتشارات محلاتی، ۱۴۱۳ق.
۵۰. _____؛ مبانى منهاج‌الصالحين؛ ج ۷، چ ۱، قم: منشورات قلم الشرق، ۱۴۲۶ق.
۵۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم؛ حاشیه مکاسب؛ ج ۱، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۲۱ق.
۵۲. _____؛ العروه الوثقی؛ ج ۵، چ ۱، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۵۳. طبرسی، احمد بن علی؛ الإحتجاج؛ ج ۱، چ ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۵۴. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰، چ ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

۵۵. طوسی، ابوجعفر محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۸، ۱، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ق.
۵۶. طریخی، فخرالدین؛ مجمع البحرين؛ ج ۵، ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ق.
۵۷. طوسی (شیخ)، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۰، ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۵۸. _____؛ تهذیب الأحکام؛ ج ۱۰، ۴، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۵۹. طنطاوی، سید محمد؛ التفسیر الوسیط للقرآن الکریم؛ ج ۱۴، ۱، قاهره: دار نهضه، [بی تا].
۶۰. طیب، سید عبدالحسین؛ أطيّب البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۳، ۲، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸.
۶۱. عاملی، شیخ حر؛ تفصیل وسائل الشیعہ إلى تحصیل مسائل الشریعہ؛ ج ۱۷، ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
۶۲. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی؛ الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه؛ ج ۵، ۱، قم: کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۶۳. علی آبادی، عبدالحسین؛ حقوق جنایی؛ ج ۲، ۲، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۸۵.
۶۴. فاضل لنکرانی، محمد؛ الأحکام الواضحه؛ ج ۴، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۲ق.
۶۵. _____؛ تفصیل الشریعہ فی شرح تحریر الوسیله: المكاسب المحرمه؛ ج ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۷ق.
۶۶. _____؛ جامع المسائل؛ ج ۱، ۱۱، قم: انتشارات امیر قلم، [بی تا].
۶۷. فیض کاشانی، ملا محمد محسن؛ تفسیر الصافی؛ ج ۵، ۲، تهران: انتشارات صدر، ۱۴۱۵ق.
۶۸. قرطبی، محمد؛ الجامع لأحكام القرآن؛ ج ۱۸، ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
۶۹. قمی، علی بن إبراهیم؛ تفسیر القمی؛ ج ۲، ۳، قم: دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۷۰. قمی مشهدی، محمد؛ تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب؛ ج ۱۳، ۱، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
۷۱. کاظمی (فاضل جواد)، جواد بن سعد؛ مسالک الأفهام إلى آیات الأحکام؛ ج ۲، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۷۲. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ کافی؛ ج ۹ و ۱۴، ۱، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
۷۳. لاری، سید عبدالحسین؛ التعليقه على المكاسب؛ ج ۱، ۱، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۷۴. لازرر، کریستین؛ درآمدی بر سیاست جنایی؛ ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی؛ ج ۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.
۷۵. ماوردی، علی بن محمد؛ النکت و العیون؛ ج ۶، ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه، [بی تا].
۷۶. مجلسی، محمد باقر؛ مرآه العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم؛ ج ۹ و ۱۹، ۲، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۷۷. مظهری، محمد ثناء الله؛ التفسیر المظهری؛ ج ۹، ۱، پاکستان: مکتبه رشديه، ۱۴۱۲ق.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر؛ الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل؛ ج ۱۸، ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۱ق.
۷۹. _____؛ أنوار الفقاهه: کتاب الخمس و الأنفال؛ ج ۱، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶ق.
۸۰. منتظری، حسین علی؛ الأحکام الشرعیه علی مذهب أهل البيت علیهم السلام؛ ج ۱، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۳ق.
۸۱. _____؛ دراسات فی المكاسب المحرمه؛ ج ۲، ۱، قم: نشر تفکر، ۱۴۱۵ق.
۸۲. موسوی خمینی (امام)، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم، [بی تا].
۸۳. _____؛ رساله توضیح المسائل؛ ج ۱، [بی جا]، [بی نا]، ۱۴۲۶ق.
۸۴. _____؛ المكاسب المحرمه؛ ج ۱، ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۴۱۵ق.
۸۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ صراط النجاه؛ ج ۳، ۱، قم: نشر المنتخب، ۱۴۱۶ق.
۸۶. _____؛ المبانی فی شرح العروه الوثقی: النکاح؛ ج ۲، ۱، قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۸۷. _____؛ مصباح الفقاهه فی المعاملات؛ ج ۱، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].



۸۸. مؤسسه گلپایگانی، سید محمدرضا؛ الدر المنضود فی أحكام الحدود؛ ج ۲، چ ۱، قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۱۲ق.
۸۹. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ ۲۱ و ۳۲، چ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۹۰. نخجوانی، نعمت‌الله؛ الفوائد الالهیه و المفاتح الغیبیه؛ ج ۲، چ ۱، مصر: دار رکابی

خلاصه طرحنامه شامل همه موارد از (الف تا ه) بین ۱۰۰۰ تا ۲۵۰۰ کلمه باشد.